



طرح پیچیده «انتخابات استانی و تناسبی» در مجلس تصویب شد

توضیح قانون انتخابات مجلس با ذکر مثال

از سویی نماینده را از جایگاه واقعی خود تنزل داده و باعث غفلت از مسائل ملی می شود و از سوی دیگر پافشاری بر پیشبرد آنها و بعضا گروکنشی های سیاسی در آنها به ویژه در موضوعاتی که به فلان دستگاه اجرایی و بهمان وزارتخانه مربوط می شود، در عملکرد آن دستگاه اجرایی نیز اختلال ایجاد می کند. روشن است که محصول این رویه در طول زمان این خواهد بود که بخش عمده ای از توان و زمان کلیت سیستم نظارتی و اجرایی کشور معطوف به چنین موضوعاتی شده و سهم کمتری از این انرژی - نسبت به آنچه که باید باشد - به اولویت های اصلی کشور اختصاص می یابد. آفت دیگر وضع کنونی، پاسخگو نبودن نمایندگان به هیچ مرجعی بابت عملکرد چهارساله خود است. لیست ها شب انتخابات بسته می شوند و در نهایت، کاندیداهای پیروز می روند پی کارشان تا چهار سال بعد. شاهد مثالش می شود نقل مکان های پر حرف و حدیث برخی نمایندگان از یک فراکسیون به فراکسیون دیگر، فارغ از آنکه آنها اساس ورود خود به مجلس را وام دار فراکسیون نخست و سید رای آن بوده اند؛ رویه ای که در مجلس دهم عرف بازار بود و شائبه پدهیستان های پشت پرده و معامله گری های سیاسی و منفعت محور را بیش از همیشه تقویت کرد.

موجب بروز اختلاف های محلی، قومی، قبیله ای و مذهبی شده و این خلاف همبستگی و وحدت ملی است، لذا به واسطه مغایرت آن با بند ۱۵ اصل سوم قانون اساسی بار دیگر راه آن را سد کرد. در دوره های بعدی هم همین رویه تکرار شد و بعد از رفت و برگشت های فراوان این داستان به خوان دهم رسید. حالا آسیب های سیستم کنونی انتخابات بار دیگر نمایندگان مجلس را به این جمع بندی رسانده که باید فکری دیگر کرد؛ ایده ای که هم چالش های حقوقی و قانونی طرح های پیشین را نداشته باشد و هم راه برون رفتی باشد از وضع موجود. اما چرا وضع کنونی مطلوب نیست؟ به جرأت می توان بزرگ ترین نقیصه سیستم فعلی انتخابات مجلس را تقدم دغدغه های بخشی بر مسائل کلان و ملی به ویژه در میان نمایندگان حوزه های انتخابیه کوچک دانست؛ نمایندگانی که به هر ترفندی که بوده و با اتکا به وعده ها و شعارهایی عمدتاً منطقه ای و قومی و... موفق می شوند به مجلس راه یابند. بدیهی است که اقتضای حضور این دسته از نمایندگان در مجلس - چه از جنبه عمل به وعده ها و چه به لحاظ میل به ابقا در دوره های بعد- پیگیری همین طیف از دغدغه هاست؛ دغدغه هایی که تمرکز بر آنها

طرح انتخابات استانی و تناسبی را می توان بخشی از طرح استانی شدن انتخابات و به بیان دقیق تر نسخه به روز شده آن دانست. این ایده برای اولین بار در سال ۷۸ - دوره پنجم مجلس - روی میز هیات رئیسه قرار گرفت، اما کلیاتش رد و از دستور کار خارج شد. با این حال نمایندگان مجلس ششم، سال ۸۱ همان طرح را بدون هیچ گونه تغییری برای دومین بار به هیات رئیسه ارائه کردند. مجلس، در ادامه پس از بحث و بررسی های فراوان، استانی شدن انتخابات را از تصویب گذراند، اما شورای نگهبان به دلیل ایراد مغایرت با موازین شرع و قانون اساسی آن را رد کرد و به مجلس ارجاع داد. ایرادات شورای نگهبان در آن مقطع ناظر به چهار محور تشدید اختلافات محلی، قومی و قبیله ای، کاهش مشارکت مردم در انتخابات (مغایرت با بند ۸ اصل ۳ قانون اساسی)، افزایش هزینه های عمومی (مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی) و ایجاد تبعیض ناروا بود. با تشکیل مجلس هفتم نمایندگان بار دیگر در سال ۸۶ طرح پیشین را پس از اعمال تغییراتی تقدیم هیات رئیسه کرده و در نهایت به تصویب رساندند. شورای نگهبان اما باز هم مخالف بود و اعتقاد داشت برگزاری استانی انتخابات،

چند ایراد مهم

هم کیش با اکثریت، متولد حوزه فرعی شهرستان اقلیت بوده یا در آن حوزه پنج سال سکونت داشته باشد و ضمن نامزد شدن از این بخش ۱۵ درصد آرای آن را به خود اختصاص دهد. در این صورت او در سطح استان از شرایط بهتری برخوردار بوده و به این ترتیب بخش زیادی از راه را رفته است. افزایش هزینه های برگزاری انتخابات و صرف زمان و انرژی بیشتر از سوی مجریان، موضوع دیگری است که می توان آن را در شمار نقاط تاریک این طرح برشمرد. به بیان دقیق تر اگر تاکنون در یک حوزه انتخابیه، مجریان آرای ۲۰ نفر را چک می کردند، اکنون با آرای ۴۰۰ نفر را به شمارش بگذارند و این مستلزم زیرساخت و نیروی انسانی بیشتری است که به طور طبیعی هزینه های بالاتری را به دنبال دارد. آفت دیگر آن است که کاندیداهای راه یافته بیش از آنکه نماینده مردم باشند، احزاب متبوع خود و گرایش ها و تمایلات سیاسی آنها را نمایندگی کنند. تشدید خریداری رأی به رغم همه نظارت های موجود به ویژه در نقاط دوردست و شهرستان ها، افزایش هزینه های تبلیغات برای کاندیداها و متعاقبا افزایش اتکالی آنها به کانون های ثروت و... را باید از جمله دیگر چالش های طرح انتخابات استانی تلقی کرد. همه اینها به کنار، زیرساخت ها و زیربنای این طرح که عبارت است از احزاب قوی، شناسنامه دار و کارآمد همچنان فراهم نیست و آنچه امروز بیشتر به چشم می خورد محافل و ائتلاف هایی است که عمدتاً شب انتخابات سر برمی آورند. موضوعی که می تواند اساس کار را متزلزل کند و در مقام اجرا مشکلات زیادی را پدید آورد.

در طرح انتخابات استانی و تناسبی هم ایرادهای پیشین طرح استانی شدن انتخابات به چشم می خورد و به نظر می رسد برای حل اساسی آنها چاره ای اندیشیده نشده. همان طور که در سطور فوق اشاره شد مبنای اجرای این طرح و نقطه اتکای آن احزاب و گروه های سیاسی هستند و در چنین بستری سر کاندیداهای مستقل اما باصلاحتی که ترجیح می دهند خود را از بدهیستان های مرسوم احزاب به ویژه در شب انتخابات مصون بدارند بی کلاه می ماند. هر چه باشد روشن شدن مرجع پاسخگویی نمایندگان بابت عملکرد خود، اگر چه در کل مولفای مثبت ارزایی می شود اما منفس اینکه آن نماینده به چه قیمتی در لیست انتخاباتی فلان حزب قرار گرفته و میزان دسترسی او به منابع قدرت و ثروت تا چه میزان بر این موضوع تاثیر گذار بوده، چالشی است که مثل گذشته در پرده ابهام باقی مانده. افت احتمالی مشارکت را باید اثر مستقیم اجرای این طرح دانست. هر چه باشد در چنین شرایطی نتیجه انتخابات بیش از همه در مراکز استان ها رقم می خورد و ساکنان مناطق دوردست که تاکنون به طور مستقیم نماینده ای را راهی مجلس می کردند به طور طبیعی اثرگذاری سابق در سرنوشت خود را از دست داده و به این واسطه از مشارکت دلسرد خواهند شد. تشدید گسل های قومی و مذهبی را باید آفت دیگر اجرای این طرح دانست. به طور طبیعی در استان هایی که یک قومیت یا مذهب در اقلیت قرار دارد و قومیت یا مذهب دیگر، اکثریت را شامل می شود، احتمالاً قومیت مذهب اقلیت، از این پس هیچ گاه نماینده ای در مجلس نخواهد داشت. کافی است کاندیدی

چه طرحی به نام انتخابات «استانی و تناسبی» تصویب شد؟

نماینده حوزه انتخابیه فرعی به مجلس شورای اسلامی راه می یابد. تبصره ۲- چنانچه در حوزه انتخابیه فرعی هیچ یک از نامزدها نصاب پانزده درصد (۱۵٪) آرای صحیح مأخوذه را کسب ننماید، انتخابات فقط در همان حوزه به صورت دومرحله ای برگزار می شود. در این صورت به تعداد دو برابر نمایندگان موردنیاز از بین نامزدهایی که بیشترین آرا را در مرحله اول کسب کرده اند، برای حضور در انتخابات مرحله دوم معرفی می شوند و در صورتی که تعداد نامزدهای باقیمانده کمتر از دو برابر مذکور باشد، تمام نامزدها برای حضور در مرحله دوم انتخابات معرفی می گردند و نامزد یا نامزدهایی که بالاترین رای در همان حوزه انتخابیه فرعی را کسب کنند، تا سقف کرسی های باقی مانده به مجلس شورای اسلامی راه می یابند. وزارت کشور با هماهنگی شورای نگهبان زمان انجام مرحله دوم انتخابات را ظرف مدت یک ماه پس از اعلام نتیجه مرحله اول و تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان تعیین و اعلام می کند. تبصره ۷- در صورتی که سهم کرسی های اختصاص یافته به فهرست ها و نامزدهای مستقل به صورت اعشاری درآید، کرسی ها متناسب با ارقام صحیح توزیع می شود و کرسی های مازاد به ترتیب به بالاترین اعشار اختصاص می یابد. تبصره ۸- آرای هر نامزد شامل آرای است که به صورت منفرد کسب کرده یا از طریق فهرست های انتخاباتی موضوع این قانون به وی ارائه شده است.

نمایندگان در جلسه علنی دیروز مجلس در جریان بررسی طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، با ۱۳۱ رای موافق، ۶۷ رای مخالف و ۵ رای ممتنع از مجموع ۲۲۶ نماینده حاضر در جلسه، ماده ۷ طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی را به شرح زیر اصلاح کردند: ماده ۷- ماده (۸) قانون و تبصره (۲) آن به شرح زیر اصلاح و مابقی تبصره های آن ابقا و دو تبصره به عنوان تبصره های (۷) و (۸) به آن الحاق می شود: ماده ۸- شمارش و جمع آرای نامزدهای مجلس شورای اسلامی به صورت استانی و تناسبی و با شرایط زیر است: ۸- از هر حوزه انتخابیه فرعی صرفاً نامزد یا نامزدهایی که حداقل پانزده درصد (۱۵٪) آرای صحیح مأخوذه آن حوزه را کسب کرده اند، مجاز به کسب کرسی استانی و تناسبی می باشند. ۸- درصد کسب آرای فهرست های احزاب، جبهه ها و نامزدهای مستقل از کل آرای صحیح مأخوذه در حوزه انتخابیه اصلی، ملاک تخصیص کرسی در مجلس شورای اسلامی می باشد. ۸- پس از تعیین سهم هر فهرست و نامزدهای مستقل که کرسی به آنها تعلق گرفته، به ترتیب هر نامزدی که بالاترین آرا را در سطح حوزه انتخابیه اصلی به دست آورده است، تا سقف سهم هر فهرست از کرسی ها به عنوان

فرآیند جدید انتخابات چه خواهد بود؟ بررسی یک مثال فرضی

فرض مساله

استان تهران به صورت شماتیک و یک نمونه فرضی شده در مورد آن صحبت می شود. در استان تهران به عنوان حوزه اصلی ۵ حوزه فرعی وجود دارد. **یک**: تهران، شمیرانات، ری و اسلامشهر با ۳۰ کرسی در مجلس **دو**: پاکدشت با یک کرسی **سه**: دماوند و فیروزکوه با یک کرسی، **چهار**: رباط کریم با یک کرسی، **پنج**: شهریار با یک کرسی و **نهایتا شش**: ورامین با یک کرسی.

حوزه اصلی	حوزه های فرعی	تعداد کرسی
استان تهران	تهران، شمیرانات، ری و اسلامشهر	۳۰
	پاکدشت	۱
	دماوند و فیروزکوه	۱
	رباط کریم	۱
	شهریار	۱
	ورامین	۱

کاندیداتوری و لیست بندی

هر فرد می تواند به صورت مستقل یا عضو لیست حزب و گروه مشخصی کاندیدای انتخابات شود. هر فرد الزاماً باید با شرایطی (تولد در حوزه فرعی، سابقه نمایندگی در حوزه فرعی یا ۵ سال سکونت در محدوده حوزه فرعی) در یکی از حوزه های فرعی مثلاً حوزه شهریار ثبت نام کند. هر لیست می تواند از میان ثبت نام کنندگانی که مورد تایید شورای نگهبان قرار گرفته اند، به تعداد کرسی نمایندگی در مجلس در هر شهرستان لیست خود را به مردم معرفی کند. برای مثال لیست الف- در حوزه اصلی (استان تهران) تنها می تواند یک لیست ۳۵ نفره (به تعداد کرسی حوزه اصلی در مجلس) معرفی کند و برای هر حوزه فرعی هم تنها به تعداد کرسی هایش در مجلس (در تهران، شمیرانات، ری و اسلامشهر نهایتاً به تعداد ۳۰ نفر یا در شهریار تنها یک نفر) می تواند لیست اعلام کند.

انتخابات و شمارش آرا

در روز برگزاری انتخابات مردم مختار هستند که به یک لیست یا به افراد مستقل رای بدهند. پس از شمارش آرا و قبل از تعیین جایگاه افراد، این مساله بررسی می شود که نامزدهای ثبت نام کننده در هر حوزه فرعی آیا توانسته اند حداقل ۱۵ درصد آرای مأخوذه در حوزه فرعی را کسب کنند یا خیر؟ از این رو هر نامزدی که نتوانسته باشد کف ۱۵ درصد آرای مأخوذه در حوزه فرعی که در آنجا ثبت نام کرده را کسب کند، از دور رقابت خارج می شود. پس از این مرحله رای ها براساس مجموع آرای مأخوذه در حوزه اصلی (استان تهران) شمارش و جایگاه هر نفر مشخص می شود.

مشخص شدن سهم هر لیست یا هر نفر

در این قسمت تعداد آرای هر لیست یا هر نفر مشخص می شود و با تقسیم تعداد کل آرای مأخوذه به تعداد کل آرای هر لیست یا هر نفر، سهمیه ها اعلام می شوند. به مثال زیر با فرض اینکه در استان تهران ۱۰۰ نفر توانسته اند کف ۱۵ درصد آرای حوزه فرعی را به دست آورند و وارد رقابت استانی شوند، دقت کنید.

تقسیم بندی	تعداد رای هر فرد	رتبه
از لیست الف	۲ میلیون رای	نفر اول (برای مثال نفر اول از حوزه تهران، ری و شمیرانات است)
از لیست ب	۱.۹۸ میلیون رای	نفر دوم
از لیست الف	۱.۸ میلیون رای	نفر سوم
از لیست ج	۱.۷ میلیون رای	نفر چهارم
.	.	.
.	.	.
.	.	.
از لیست د	۲۵ هزار رای	نفر ۹۹ ام
مستقل	۲۰ هزار رای	نفر آخر (برای مثال از حوزه پاکدشت است)
	۵۰ میلیون رای	جمع کل آرای صحیح مأخوذه

مثال فرضی برای رای های داوطلبان حضور در مجلس در حوزه استان تهران

نحوه محاسبه لیست پیروز

از تقسیم جمع کل آرای صحیح مأخوذه بر مجموع آرای افراد معرفی شده از سوی هر لیست (مشروط به اینکه کف ۱۵ درصد را کسب کرده باشند) یا رای هر فرد مستقل؛ درصد کرسی های تعلق گرفته به هر لیست مشخص خواهد شد. در اینجا باید این موضوع را متذکر شد که این فرمول باعث حداقلی شدن سهم افراد مستقل می شود به این معنا که بعید است یک فرد بتواند آنقدر رای به دست آورد که با مجموع آرای یک لیست رقابت کند.

برای مثال لیست الف) ۴۰ درصد آرا (یعنی ۱۴ کرسی از ۳۵ کرسی)، لیست ب) ۲۰ درصد آرا (یعنی ۷ کرسی از ۳۵ کرسی) و... و نهایتاً فرد مستقل (نفر آخر) ۴۵/۰ درصد رای را کسب کرده و از راهیابی به مجلس باز می ماند. این اتفاق نشان می دهد که چند لیست بزرگ و قوی در تهران تمامی کرسی ها را به خود اختصاص داده و به لیست های ضعیف و مستقلان هیچ فرصتی نخواهد رسید.

اختصاص کرسی به لیست ها

در این بخش به لیست الف) اعلام می شود که ۱۴ کرسی متعلق به شماست و از این رو ۱۴ نفر اول این لیست براساس میزان رای کسب کرده در کل استان (حوزه اصلی) بدون در نظر گرفتن اینکه این افراد از کدام حوزه فرعی در انتخابات شرکت کرده اند، وارد مجلس خواهند شد. نکته قابل توجه اینکه، با این شرایط ممکن است در یک حوزه فرعی، نفر دوم به جای نفر اول حوزه، به علت اینکه جزء سهمیه های لیست پیروز است به مجلس راه پیدا کند و نفر اول حوزه فرعی از راهیابی به مجلس باز بماند چراکه عضو لیستی بوده که مجموع رای کمتری به دست آورده است. نکته مهم دیگر اینکه اگر در یک شهرستان مثلاً ورامین، نفر پیروز متعلق به لیست الف) باشد و نفر دوم متعلق به لیست ب) و سهمیه لیست الف) (لیست پیروز) که ۱۴ نفر بوده صرفاً به نفراتی برسد که در حوزه هایی به غیر از حوزه ورامین به رقابت پرداخته اند، آنگاه در حوزه ورامین نفر دوم که متعلق به لیست ب) است به مجلس راه می یابد و نفر اول به علت اینکه در لیست خود نتوانسته جزء ۱۴ نفر اول قرار بگیرد، از راهیابی به مجلس باز می ماند.

اهدافی که محقق نشد

ابوالفضل ابوترابی، حقوقدان و عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس:

- در این فرایند انتخابات، اکثریت آرا در استان ملاک قرار می گیرد و فقط حوزه های فرعی کاربردشان این است که نمایندگان باید در آن حوزه ها (شهرستان ها) حداقل ۱۵ درصد آرا را کسب کرده باشند تا رای شان در استان شمرده شود.
- سهم از پیش تعیین شده ای برای احزاب و گروه ها در نظر گرفته نخواهد شد.
- این مصوبه اجازه می دهد که افراد بی آنکه وارد لیست های انتخاباتی شوند هم به صورت مستقل در انتخابات شرکت کنند.
- یکی از اهداف خوبی که این قانون دنبالش بود، این بود که نمایندگان مجلس را از امور غیرقانونی که رتق و فتق امور محلی است بازداریم. امیدوار بودیم این طرح به سمت توسعه احزاب شناسنامه دار پیش رود اما به نظر من با این مصوبه پر ابهام نمی توانیم این اهداف را تامین کنیم. با این مصوبه نه اکثریتی شدیم نه نسبی و حکایت ضرب المثل شتر، گاو، پلنگ پیش آمد و نظام انتخاباتی تناسبی به نظر من تأمین نشده است. باید در نظر گرفت که لایحه جامع انتخابات نیز نمی تواند کارساز باشد، چراکه جنس انتخابات ها متفاوت است و به عنوان مثال انتخابات مجلس با ریاست جمهوری و شوراها متفاوت است و نمی توان با یک لایحه همه انتخابات ها را پوشش دهیم و به این دلیل لازم نیست اینها را اقدام کنیم.
- بزرگ ترین اشکال این مصوبه ابهامات زیاد آن است. در حال حاضر نه وضعیت اکثریتی موجود را مورد توجه قرار داده ایم و نه وضعیت مطلوب نسبی را که به عدالت نزدیک تر است. ۶۳ درصد کشورهای دنیا نظام های انتخاباتی نسبی است که به عدالت نزدیک تر است.
- بهتر بود اصلاح قانون انتخابات در فرصت بهتر و زمان بیشتری بررسی می شد و به سال آخر مجلس کشیده نمی شد، چندین بار کمیسیون شوراها با نامه از دولت در خواست لایحه کرد و دولت قول تحویل لایحه را داد و در نهایت نیز لایحه ای از طرف دولت دریافت نکردیم و دولت در واقع وقت مجلس را سوزاند.»